

### 1-Review

#### Context

چه خبر؟

Any news?

از نامزدت چه خبر؟

Any news from your fiancée?

خبری نیست.

No news.

سلام برسونین.

Say hello.

به دوستت سلام برسون.

Say hello to your friend.

باشه چشم.

Ok, I will.

تعطیلاتین؟

Are you on holiday?

مأموریتین؟

Are you on mission?

مرخصیین؟

Are you on leave?

برادرت مرخصیه؟

Is your brother on leave?

از همسایت چه خبر؟

Any news from your neighbor?

به خانوادت سلام برسون.

Say hello to your family.

به دوستات سلام برسون.

Say hello to your friends.

تحصیلاتت چیه؟

What's your qualification?

حرفه ات چیه؟

What's your profession?

تاریخ تولدت کی هست؟

What's your date of birth?

متولد ایرانم.

I was born in Iran.

از ملاقاتتون خوش وقتم.

Nice to meet you.

منم از ملاقاتتون خوش وقتم.

Nice to meet you too.

برادرت تعطیلاته؟

Is your brother on holiday?

پدرت مأموریته؟

Is your father on mission?

اسم مستعارت چیه؟

What's your nickname?

اسم کوچکت چیه؟

What's your forename?

ملیت چیه؟

What's your nationality?

من لیسانس فیزیکم.

I am bachelor's in physics.

من فوق لیسانس روانشناسی هستم.

I am master's in psychology.

به خانمت سلام برسون.

Say hello to your wife.

از همکارت چه خبر؟

Any news from your colleague?

در حال حاضر منچستره.

He is in Manchester at the moment.

در حال حاضر تعطیلاته.

He is on holiday at the moment.

پسرت مرخصیه؟

Is your son on leave?

از دخترت چه خبر؟

Any news from your daughter?

از آشناییتون خوشحالم.

How do you do.

منم از آشناییتون خوشحالم.

How do you do.

از ملاقاتتون خوش بختم.

Nice to meet you , Delighted to meet you , Glad to meet you , Pleased to meet you .

منم از ملاقاتتون خوش وقتم.

Nice to meet you too, Delighted to meet you too, Glad to meet you too,  
Pleased to meet you too.

فامیلیت چیه؟

What's your surname?

از مادر زنت چه خبر؟

Any news from your mother-in-law?

همکار شما ترکیه ایه؟

Is your colleague Turkish?

برادرت هلندیه؟

Is your brother Dutch?

ژاپنی هستی؟

Are you Japanese?

به همه سلام برسون.

Say hello to everybody.

از معلمت چه خبر؟

Any news from your teacher?

اسم کوچیکت چیه؟

What's your forename?

شغلت چیه؟

What's your job?

ملیتت چیه؟

What's your nationality?

از همسایه بغلیت چه خبر؟

Any news from your next-door neighbor?

به همسایه بغلیت سلام برسون.

Say hello to your next-door neighbor.

زنت مأموریتته؟

Is your wife on mission?

next door neighbor /n kst d r  
ne b /

## 2-You look happy

### Context

سلام

Hello

مضطرب بنظر می رسی، چی شده؟

You look anxious, **what's it?**

خوشحال بنظر می رسی، چی شده؟

**You look** happy, **what's it?**

مثل اینکه ناراحتی، چی شده؟

You look unhappy, what's it?

خسته بنظر می رسی، چی شده؟

You look tired, what's it?

انگاری کثیفی، چی شده؟

You look dirty, what's it?

انگاری غمگینی، چی شده؟

You look sad, what's it?

مثل اینکه افسرده ای، چی شده؟

You look depressed, what's it?

عصبانی بنظر می رسی، چی شده؟

You look angry, what's it?

نگران بنظر می رسی، چی شده؟

You look worried, what's it?

**پکر** بنظر می رسه، چی شده؟

You look **solemn**, what's it?

انگاری مشکل داری، چی شده؟

اگر کسی ازت پرسید

look, get, set

معنیش چی میشه به فارسی

باید بهش بگی: بستگی داره

اول: آیا با حرف اضافه بیاد یا تنها بیاد

دوم: اگر با حرف اضافه میاد اون حرف اضافه چیه

look at نگاه کردن

look for جستجو کردن

look like شبیه بودن

look بنظر رسیدن(فرمال)، انگاری(اینفرمال)، مثل اینکه(اینفرمال)

در یک جای انگلیسی به هیچ وجه نباید فارسی فکر کنی

اون جا بحث حروف اضافه ای است که با فعل میاد

my brother is behind his table جمله غلط

my brother is at his table جمله درست

حروف اضافه انگلیسی به هیچ وجه از حروف اضافه فارسی تبعیت نمیکنند

بهترین تکنیک برای یادگیری لغات

مترادف: تکنیک محرک های متفاوت

مثلا

worried نگران

anxious مضطرب

مثلا

unhappy ناراحت

sad غمگین

You look troubled, what's it?

دلخور بنظر می آیی، چی شده؟

You look **annoyed**, what's it?

گرسنه بنظر می رسی، چی شده؟

You look hungry, what's it?

بنظر می رسی

You look

## Vocabulary

مضطرب، دلواپس

Anxious

خوشحال

Happy

ناراحت

Unhappy

خسته

Tired

کثیف

Dirty

غمگین

Sad

افسرده

Depressed

عصبانی

Angry

نگران

مضطرب از نگران شدتش بیشتره æ k s/\*\*\*\*\*  
/d .ti/\*\*\*\*\*  
/d prest/  
/ æ . ri/  
/s l. m/ آدم سالم پکر نیست  
/tr b. ld/  
/ n d/ دلخور از عصبانیت شدتش کمتره  
/h . ri/

Worried

پکر

Solemn

مشکل دار

Troubled

رنجیده، آزرده

Annoyed

گرسنه

Hungry

حرف اضافه

Preposition

نگاه کردن به

Look at

جستجو کردن

Look for

شبیه بودن

Look like

پشت

Behind

عقب

Back

میز

Table

دردسر

Trouble



بنظر می رسی

You look

### 3-Who are you angry with

#### Context

انگاری عصبانی؟

You look angry.

از دست کی عصبانی؟

Who are you angry with?

پدرت از دست کی عصبانی؟

Who is your father angry with?

مادرت از دست کی عصبانی؟

Who is your mother angry with?

برادرت از دست کی عصبانی؟

Who is your brother angry with?

نامزدت از دست کی عصبانی؟

Who is your fiancée angry with?

دخترت از دست کی عصبانی؟

Who is your daughter angry with?

بچه هات از دست کی عصبانی؟

Who are your children angry with?

همسایت از دست کی عصبانی؟

Who is your neighbor angry with?

---

از دست من عصبانی؟

to be+subject

Are you angry with me?

از دست مادرم عصبانیم.

subject+to be

I am angry with my mother.

از دست پدرت عصبانی؟

Are you angry with your father?

از دست همسایم عصبانیم.

I am angry with my neighbor.

از دست شوهرم عصبانیم.

I am angry with my husband.

شوهرت از دستت عصبانیه؟

Is your husband angry with you?

از دست مامانم عصبانیه.

He is angry with my mother.

مادرت از دست کی عصبانیه؟

Who is your mother angry with?

شوهرت از دست کی عصبانیه؟

Who is your husband angry with?

شوهرت از دست مادرت عصبانیه؟

Is your husband angry with your mother?

نه، از دست پسر من عصبانیه.

No, he is angry with my son.

پسرت از دست کی عصبانیه؟

Who is your son angry with?

از دست من عصبانیه.

He is angry with me.

از دستت عصبانیم.

I am angry with you.

---

انگاری عصبانی هستی، چی شده؟

You look angry, what's it?

انگاری عصبی هستی، از دست کی عصبانی؟

You look angry, who are you angry with?

انگاری نگرانی، نگران کی هستی؟

You look worried, who are you worried about?

مادرت نگران کیه؟

Who is your mother worried about?

خواهرت نگران کیه؟

Who is your sister worried about?

زنت نگران کیه؟

Who is your wife worried about?

بچه هاتون نگران کی هستن؟

Who are your children worried about?

بچت نگران کیه؟

Who is your child worried about?

نگران منی؟

Are you worried about me?

نگران مادرتم.

I am worried about your mother.

نگران شوهرتم.

I am worried about your husband.

نگران شوهرمم.

I am worried about my husband.

شوهرت نگرانته؟

Is your husband worried about you?

نه، نگران خواهرمه.

در قالب های قبلی میتونیم به جای  
angry and with  
از هر دو گانه صفت و حرف اضافه  
دیگری نیز استفاده کنیم مثل  
worried and about

No, he is worried about my sister.

خواهت نگران كيه؟

Who is your sister worried about?

نگران ربيس منه.

She is worried about my boss.

ربيست نگران كيه؟

Who is your boss worried about?

نگران منه.

He is worried about me.

نگران توام.

I'm worried about you.

نگران مني؟

Are you worried about me?

نگران زنم.

I am worried about my wife.

نگران پسر منه.

She is worried about my son.

پسرت نگرانته؟

Is your son worried about you?

نگران همكار منه.

He is worried about my colleague.

همكارت نگران كيه؟

Who is your colleague worried about?

من نگران توام.

I am worried about you.

joke:

a: this is American ship, we are sinking! we are sinking!

b: Hello. This is German ship, What are you thinking about?

مثل اینکه نگرانی، نگران کی هستی؟

You look worried, who are you worried about?

### Vocabulary

عصبانی از

Angry with

نگران بودن در مورد

Worried about

look/ l k/  
angry with/ æ ri w ð/  
worried about/ w rid ba t/

## 4-There are some apples in the fridge

قالب اول

### Context

شامل دو فرمت خبری/سوالی

برای فعل هستن در شی قابل شمارش جمع

توی یخچال سیب هست.

There are some apples in the fridge.

تخم مرغ توی یخچال هست.

There are some eggs in the fridge.

موز توی یخچال هست.

There are some bananas in the fridge.

گوجه توی یخچال هست.

There are some tomatoes in the fridge.

توی یخچال پرتقال هست.

There are some oranges in the fridge.

قاشق روی میز هست.

There are some spoons on the table.

پرتقال توی یخچال هست؟

Are there any oranges in the fridge?

لیوان رو میز هست.

There are some glasses on the table.

بشقاب توی آشپزخانه هست.

There are some plates in the kitchen.

هست (شی قابل شمارش)

There are some

لیوان روی میز هست؟

Are there any glasses on the table?

لیوان توی آشپزخانه هست؟

وقتی معنی

There are some apples in the fridge.

رو میگی. وجود دارد تعدادی سیب در یخچال

این محرک بسیار کم کاربرد و بد است پس هرگز جرقه نمیخورد و از قالب استفاده نمیکنی

محرک خوب این است

توی یخچال سیب است

هستن قابل شمارش جمع

There are some

There are not any

Are there any?

هستن قابل شمارش مفرد

There is a/an

There is not a/an

Is there a/an?

هستن غیرقابل شمارش (درس های بعد میروسیم بهش)

There is some

There is not any

Is there any?

کاربرد قالب ها

در 90 درصد مواقع قابل شمارش جمع

در 10 درصد مواقع قابل شمارش مفرد

جملات مثبت some

جملات منفی یا سوالی any

Are there any glasses in the kitchen?

صندلی توی کلاس هست؟

Are there any chairs in the class?

صندلی توی کلاس هست.

There are some chairs in the class.

توی سالن جا هست؟

Are there any seats in the saloon?

کنار پنجره جا هست؟

Are there any seats by the window?

صندلی کنار راهرو هست؟

Are there any seats at the aisle?

صندلی ردیف وسط هست.

There are some seats in the middle.

بلیط برای امشب هست؟

Are there any tickets for tonight?

بلیط برای فردا هست.

There are some tickets for tomorrow.

توی خیابون جا پارک هست؟

Are there any car parks in the street?

جای پارک توی ساختمان هست.

There are some car parks in the building.

پرواز به منچستر هست؟

Are there any flights to Manchester?

پرواز به لندن هست.

There are some flights to London.

کنار هم beside vs by

سمت چپی: دو چیز کنار هم که اگه یکی شون حرکت کنه دیگه کنار هم نیستن  
سمت راستی: دو چیز کنار هم که اگه یکی شون حرکت هم کنه باز هم کنار هم اند(کناری که در امتداد باشد مانند فرد در کنار ساحل دریا)



پرواز به شیراز هست؟

Are there any flights to Shiraz?

هست؟

Are there any?

هست.

There are some

هه؟

Are there any?

هه.

There are some.

تلویزیون توی اتاق هست؟

Is there a TV in your room?

تلفن توی آشپزخونه هست؟

Is there a telephone in the kitchen?

تلفن توی اتاق خوابه.

There is a telephone in the bedroom.

یخچال توی آشپزخونه هست؟

Is there a fridge in the kitchen?

اجاق گاز توی آشپزخونه هست؟

Is there a **cooker** in the kitchen?

**ضبط** تو **ماشینت** هست؟

Is there a **stereo** in your car?

بالکن تو ساختمونتون هست؟

Is there a balcony in your house?

Vocabulary

اسم قابل شمارش

Countable noun

سیب

Apple

قالب دوم

شامل دو فرمت خبری/سوالاتی

برای فعل هستن در شی قابل شمارش مفرد

در قبل گفتیم که اون دو تا قالب در 90 درصد مواقع کاربرد دارند  
بریم اون ده درصد استثنا رو یاد بگیریم

آیا تخم مرغی در یخچال است؟  
وقتی درباره تخم مرغ صحبت میکنیم  
ناخوداگاه تصور جمع ازش داریم

آیا تلویزیونی در اتاق است؟  
وقتی درباره تلویزیون صحبت میکنیم  
ناخوداگاه تصور مفرد ازش داریم (مگر  
اینکه درباره وجود تلویزیون در یک  
مفازة تلویزیون فروشی صحبت کنیم)!

ما نسبت به 99 درصد اسامی تصور  
جمع و نسبت به 1 درصد شون تصور  
مفرد داریم  
بخاطر همین قالب اول 99 درصد را  
پوشش میده و قالب دوم درصد

یخچال

Fridge

تخم مرغ

Egg

موز

Banana

گوجه فرنگی

Tomato

پرتقال

Orange

بشقاب

Plate

آشپزخانه

Kitchen

قاشق

Spoon

میز

Table

لیوان

Glass

صندلی

Chair

امشب

Tonight

فردا

saloon /s lu n/

kitchen /k t . n/

plates /ple ts/

oranges / r. n.d z/

tomatoes /t m .t z/\*\*\*\*\*

bananas /b n .n z/\*\*\*\*\*

fridge /fr d /

tonight /t na t/\*\*\*\*\*

tomorrow /t m r /

balcony / bæl k ni/

Tomorrow

خیابان

Street

ساختمان

Building

اتاق خواب

Bed room

گاز

Cooker

ضبط ماشین

Stereo

خانه

House

بچه تخس

Naughty boy

صندلی کنار راهرو (مثلاً صندلی کنار راهرو هواپیما یا سینما)

Aisle

وسط

Middle

توقع داشتن

Expect

جای پارک

Car parks

جای نشستن

Seat

پرواز

Flight

بالکن

Balcony

## Context

اینجا یه واحد خوبه.

This is a nice flat.

اینجا یه هتل خوبه.

This is a nice hotel.

این یه اتاق خوبه.

This is a nice room.

بفرمایید.

Here you are.

بفرمایین کلیدتون.

Here's your key.

بفرمایین اتاقتون.

Here's your room.

بفرمایین پاسپورتتون.

Here's your passport.

بفرمایین انگشترتون.

Here's your ring.

بفرمایین کیف پولتون.

Here's your wallet.

بفرمایین چمدونتون.

Here's your case.

بفرمایین منو.

Here's the menu.

اینو دیگه نمیگم

Here's your menu.

بفرمایین (چیزی تعارف می شود و فرد می آید وسیله را می گیرد و می رود)

مثلا نذری دهنده به فرد نذری گیرنده

Here you go. بگیر و برو (گو کن)!

بفرمایین نقشه.

Here's the plan.

یک اتاق نشیمن هست، یه آشپزخونه، یه اتاق خواب، یه حمام و یک توالت هست.

There is a living room, a kitchen, a bed room, bath room and there is a toilet.

بالکن هست؟

Is there a balcony?

بالکن توو اتاق خوابش هست؟

Is there a balcony in the bed room?

نه، توی آشپزخانه بالکن هست.

No. there is a balcony in the kitchen.

تلفن توی آشپزخونه هست؟

Is there a telephone in the kitchen?

تلفن توی اتاق نشیمن هست.

There is a telephone in the living room.

نه، اینجا تلفن نیست.

No, there isn't a telephone not any telephone

بفرمایین اینم آشپزخونه.

Here's the kitchen.

نباید بگی  
here is your kitchen  
اشپزخونه که مال تو نیست!

بفرمایین اینم اتاق خواب.

Here's the bed room.

بفرمایین اینم حمام.

Here's the bath room.

خیلی کوچکه.

It's very small.

خیلی بزرگه.

It's very large.

بله، خیلی بزرگ نیست.

Yes, it isn't very large.

بله، خیلی کوچیک نیست.

Yes, it isn't very small.

گاز و یخچال هست.

There is a cooker and a fridge.

یخچال توی آشپزخونه هست؟

Is there a fridge in the kitchen?

گاز توی آشپزخونه هست؟

Is there a cooker in the kitchen?

بفرمایید اینم کلاستونه.

Here is **your** class.

خیلی بزرگ نیست اما تعدادی جا توی کلاس است.

It isn't very large but there are some seats in the class.

تعدادی کابینت تو آشپزخونه هست.

There are some **cupboards** in the kitchen.

کابینتی توی آشپزخونه هست؟

Are there any cupboards in the kitchen?

زیر سینک تعدادی کابینت هست.

There are some cupboards **under** the sink.

بالای سینک تعدادی کابینت هست.

above vs over  
below vs under

There are some cupboards **over** the sink.

تو کابینتها بشقاب هست؟

Are there any plates in the cupboards?

بشقاب تو آشپزخانه هست.

There are some plates in the kitchen.

اینجا صندلی هست؟

Are there any chairs in here?

تو اتاق نشیمن صندلی هست؟

there and here in this sentence

هیچ تداخلی با هم ایجاد نمیکنند زیرا

there in this sentence

Are there any chairs in the living room?

نه نیست.

No, there aren't.

تعدادی صندلی تو اتاق نشیمن هست.

There are some chairs in the living room.

لیوان نیست.

There aren't any glasses.

اینجا هیچ صندلی نیست.

There aren't any chairs here.

اینجا تلوزیون نیست.

There isn't a TV here.

یه تعداد لیوان تو کابینت هست.

There are some glasses in the cupboards.

قاشق روی میز هست.

There are some spoons on the table.

دستشویی کجاست؟

Where is the toilet?

هتل کجاست؟



Where is the hotel?

دستشویی کجاست؟

Where is the John?

نزدیکترین سوپر مارکت کجاست؟

Where is the nearest supermarket?

نزدیکترین هتل کجاست؟

Where is the nearest hotel?

هست

There are some

هست؟

Are there any?

### Vocabulary

آپارتمان (انگلیسی)

Flat

آپارتمان (آمریکایی)

Apartment

مشاور املاک، بنگاه

Housing agency

اتاق

Room

انگشتر، حلقه

Ring

حمام

Bath room

دوبار

/ w l t/

/ p sp t/

/ m nju /

/ k b dz/

/ kæb n t/

/ p tm nt/

Twice

کابینت (انگلیسی)

Cupboard

کابینت (آمریکایی)

Cabinet

نقشه (خانه)

Plan

نقشه جغرافیایی

Map

کیف پول

Wallet

چمدان

Case

منو

Menu

کوچک

Small

بزرگ، وسیع

Large

بزرگ، ستبر

Big

دستشویی

Toilet

دستشویی (انگلیسی)

The John

بدیخت جان اسمش بد در رفته

اتاق نشینمن

Living room

سینک ظرفشویی

Sink

### Conversation text

A: This is a nice flat Mrs. Welkins. Here's the plan. This is a living room, is a kitchen, a bed room, bath room

and there is a toilet.

B: Is there a balcony?

A: No there isn't.

B: And the telephone?

A: No there isn't a telephone. Well, here's the kitchen.

B: It's very small.

A: Yes, it isn't very large, but there is a cooker and a fridge, there are some cupboards under the sink.

B: Are there any plates?

A: Yes, there are.

B: Good, Are there any chairs in here?

A: No, there aren't, but there are some in the living room.

B: There aren't any glasses?

A: Yes, there are. There are in the cupboard.

B: Where is the toilet?

### Proverb

باد آورده رو باد می بره.

Easy come, easy go